

به کدام سو می رویم؟

نمونه‌ای از توطئه‌های سیا و رسانه‌های گروهی

امپریالیستی

چند بیس در فیلادلفی واقع
- ای روی داد که ارتباط مستقیم
با سیاست ایالات متحده آمریکا در
خاور نزدیک دارد. اقتصاد دانان
برجسته آمریکائی، معاون بخش
مربوط به روسیه در دانشگاه
هاروارد مارشال گلدمن با اسناد و
ارقامی که در دست داشت ثابت
کرد که "گزارش سیا" درباره کاش
استخراج نفت در اتحاد شوروی سر
تا پا جعلی و کاملاً بی اساس است.
بخاطر باور به چگونگی سال
پیش این گزارش "سیا" و به اصطلاح
"پیش بینی" اداره "جاسوسی آمریکا
در جهان غرب سروصدائی به پا کرد.

بقیه در صفحه ۳

آنچه در سخنرانی پرمعنی روز اربعین
در باره لزوم دستیابی به سلاح های پیشرفته
برای پیروزی در جنگ با رژیم بعث عراق، و در
واقع برای رویارویی با توطئه های رنگارنگ دشمن
اصلی انقلاب اسلامی ایران، یعنی آمریکا و
متحانش در اردوگاه امپریالیسم گفته شد،
بازتابهای متفاوتی در صاحب‌ها و سخنرانی‌های
رسمی و مطبوعات داشت. برخی آن را
وزن نسبی از واقع‌گرایی شمردند که سرانجام
برخاسته است و مه و دود پیشداوریها و
تعصبات راکتاری زندگرومی دیگر، برعکس آن
را نشانه خوشباوری کودکان و بی‌توجهی به
خطر "ابر قدرت ها" دانستند که در خریداران
اسلحه، در کشورهای روبه رشد و در جنبش
های رهایی ملی، به چشم مهره‌های در شطرنج
سیاسی خود می‌نگرند و جز بهای وابستگی
نظامی و سیاسی و اقتصادی چیزی در اختیارشان
بقیه در صفحه ۸

شماره ۶۳
دوره دوم
دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۵۹
بها ۱۵ ریال

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

عملکردهای سیا و تبلیغات امپریالیستی

سرویس های مخفی آمریکا در تحقق هدف
- های توسعه طلبانه، محافل امپریالیست
ایالات متحده در تشنج افزایش توطئه بر
ضد نظام ها و جنبش های انقلابی و ضد امپری-
الیست جهان نقش فعالی دارند. به گفته
و. کلی رئیس سابق "سیا" این سازمان
آنچنان ریشه های دوانیده که به صورت کامل
مهمی در روابط آمریکا با کشورهای خارجی
در آمده است. شیوه های مبارزه مخفیانه و
"نامرئوس" که سازمان مذکور در عرصه بین-
المللی در پیش می‌گیرد، هیچ اعتراضی را از
جانب مقامات بلند پایه ایالات متحده آمریکا
بر نمی‌انگیزد، زیرا آنان با این بیان سناتور
ج. استینسن موافقت کامل دارند که می‌گوید:
" باید چشم‌هایمان را به روی تمام اعمال
سرویس های مخفی ببندیم و آنها را چون
اعمال انجام شده بپذیریم. تخصیص میلیارد -
ها دلار به سازمان جاسوسی "سیا" اشتغال
هزاران تن کارمند در آن و در اختیار داشتن
منابع کلان که بسیار از منابع دیپارتمان
دولتی است، این واقعیت را تأیید می‌کند. بنا
به اعترافات ویکنزفمنس نیویورک تا به هیچ
جای تعجب نیست که ۳ زسیا بترسند و از آن
به خاطر فعالیت های پنهانی اش متنفر
باشند" و "سیا برای مردم جهان منفور و ملعون
باشد".
بقیه در صفحه ۶

تناسب نیروها در
عرصه جهانی و بازتاب
آن در جنبش های
رهایی بخش و مبارزه
خلقها علیه امپریالیسم
و بخاطر استقلال
صفحه ۸

برنامه های عمرانی در رژیم گذشته، بهانه ای برای چپاول

ثروت ملی

مهندس پیروز تیرداد
امپریالیسم در تلاش بقا نیاز دارد که برای گردش چرخ
صنایع خود مواد اولیه از کشورهای تحت سلطه تهیه
کند و فرآورده های این صنایع را در بازار این کشورها به
فروش برساند. از آنجا که ادامه اقتصاد سرمایه داری بخصوص
در بالاترین مرحله آن، یعنی مرحله امپریالیستی، با باز
تولید گسترده و دائم التزاید میسر است، این نیاز همیشه
گسترده ترمی گرد و بالاخره به مرحله ای می‌رسد که به طرز
آشتی ناپذیری، در مقابل صالح ملی خلقهای این ممالک
قرار می‌گیرد.
پس از کودتای امپریالیستی بیست و هشتم مرداد ماه
سال ۱۳۳۲ که ایران بکلی در اختیار امپریالیستها بخصوص
امپریالیسم آمریکا قرار گرفت، ماشا هذ غارت روز افزون ثروت
ملی خود مان بودیم. آنچه را که توانستند غارت کردند و
آنچه را که ظاهراً میخواستند صرف کارهای با اصطلاح عمرانی
بکنند یا به عوامل خود خوراندند یا تلف کردند بنحوی که
وقتی يك ایران متوجه آن بشود واقعا شخصیت انسانی
را پایمال شده می‌بیند.

تا سال ۱۳۵۲ شمسی که درآمد ایران از نفت کمتر بود
گسترش این غارت همبستگی صورت می‌گرفت. در این سال
که ذخائر ارزی ایران جهش فوق العاده کرد، این غارت
نیز در جهات مختلف تحول کیفی یافت. در بخش صنعت،
صنایع وابسته و مونتاز بوجود آمد که بتواند هم بازار فروش
امپریالیستها را توسعه دهد، هم کارخانه های راکبیشتر
آنها از لحاظ تکنیک کهنه شده بودند به ایران تحویل کند
و هم به علت ارزانی دستمزد کارگر در ایران سود بیشتری
عاید امپریالیستها و عوامل داخلی آنها شود.
بقیه در صفحه ۷

جمهوری چاد در مبارزه با امپریالیسم

هستند. کشوره ۱۴ حوزه اداری
تقسیم شده است، پایتخت آن
نجامناست که ۴۰۰ هزار نفر جمعیت
دارد. شهرهای مهم کشور عبارتند از
سار، موند و و عایشه. زبان های
رسمی کشور فرانسه و عربی است.
سرزمین چاد از سده های
باستان مسکون بود. است. در اوایل
قرن نهم (میلادی) دولت کانم -
بورکو در آنجا تشکیل شد. بعد ها
دولت هائی در چاد پدید آمدند که
برخی از آنها در طول سلطه استعمار
بقیه در صفحه ۲

جمهوری چاد کشوری است در مرکز
قاره آفریقا که در باره ندارد. این
کشور به وسیله لیبی، سودان، برونزی
آفریقای مرکزی، کامرون، نیجر و نیجریا
احاطه شده است. مساحت چاد
۱۲۸۴ هزار کیلومتر مربع و جمعیت
آن (طبق آمار ۱۹۷۹) ۴/۵ میلیون
نفر است. بیش از صدمیت در این
کشور وجود دارند که عبارتند از:
توبوها، عرب ها، ساراها، ماساها
و هاوساها. بیش از ۶۰٪ جمعیت
چاد مسلمان، قریب ۱۰٪ مسیحی و
بقیه جمعیت پیرو مذاهب محلی

بورژوازی سازشکار و لیبرال مصدر خدمت انحصارات امپریالیستی

می‌زند. و باز به موهبت تجربه تلخ تاریخ برای انقلاب می‌داند.
چندین بار به اثبات رسیده است که بورژوازی
لیبرال در دوران تعمیق انقلابات رها می‌شود
بخش یکی از خدمتگزاران صدیق امپریالیسم
است و بنا به غریزه طبقاتی خود امپریالیسم
را تکیه گاه مطمئنی برای نجات خود از کابوس
بقیه در صفحه ۲

با اوج مبارزه ضد امپریالیستی مردم مصر
در سالهای حیات جمال عبدالناصر کامیابی
در بخشان مثبتی در جهت تحکیم پایه های
استقلال سیاسی و اقتصادی مصر به نفع
توده های مستضعف کارگر و دهقان، پیشه -
وران و دیگر زحمتکشان این کشور برداشته
شد. اما از آنجا که دست بزرگ مالکان و کلان
سرمایه داران مصر از نهاد های اقتصاد یو
سیاسی و نظامی بکلی کوتاه نشده بود و
نمایندگان سیاسی و نظامی وفادار به آنها
چون سادات و شرکا در نهاد های بلند
پایه حکومتی حضور داشتند، از مرگ ناصر
برای ساخت و پاخت با امپریالیسم استفاده
کردند و ابتدا با تظا هر به جانبداری از آرمان
- های انقلابی جمال عبدالناصر و توسل
به عوام فریبی و تزویر بارای مردم قدرت را
قبضه کردند و سپس راه ورود امپریالیسم به
کشور خود هموار ساختند.
امروز مصر در نتیجه خیانت آشکار بورژوازی
سازشکار و لیبرال در چنگال
فرمانروائی اقتصادی، سیاسی و نظامی و
فرهنگی امپریالیسم و صهیونیسم دست و پا

مسابقه تسلیحاتی و نتایج آن برای ایالات متحده

سرمایه داری جهانی در مجموع سرمایه داری آمریکا بطور
خاص است. ایالات متحده در جهات مختلف مواضع پیشین
خود را از دست داده و به شرایطی گام می‌نهد که شدید -
ترین بحران اقتصادی دوران پس از جنگ را در پی دارد.
در این جا لازم است به منظور روشن شدن موقعیت
جهانی امپریالیسم آمریکا به پدیده های زیر اشاره شود:
- امپریالیسم آمریکا فرمانروائی اش را بر سود آورترین
قلمروهای نواستعماریش، مخصوصاً فرمانروائی بر بخش مهمی
از منابع نفتی آسیا، آفریقا و آمریکا را از دست داد.
- نیروهای رهایی ملی و جنبش های انقلابی در مبارزه
بر ضد امپریالیسم و استعمار نوهواره کامیابی های روز افزونی
کسب می‌کنند. تضاد های بین امپریالیستی مخصوصاً در
بقیه در صفحه ۴

مقاله را و پروپاگاندای
اسی نامد اورنویخواه آمریکا نوشته است.
همه این مقاله را با اندکی اختصار از نظر
سندگان می‌توانیم

دولت ایالات متحده بطرز بی سابقه ای خود را درگیر
افزایش دیوانه وار بودجه نظامی در زمان صلح کرده است.
انباشت سلاح ها در این کشور سیاست شدیداً تجاوزگرانه
واخلال در امر تشنج زدایی همراه بوده است.
این سیاست پاسخ ماجراجویانه نیروهای راستگرا در
میان محافل رهبری ایالات متحده نسبت به وخامت موقعیت

هشتاد و نهمین سالروز

تولد آنا زگرس

در صفحه ۳

شعر: پرچمدار

از: صمد وزغون

ترجمه:

بدرالدین مدنی

در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

جمهوری چاد در ...

فرانسه به حیات خود ادامه دادند. در ۱۹۰۰ چاد پس از نابودی ارتش دولت رابع به وسیله واحد های نظامی فرانسه سرزمین نظامی فرانسه اعلام شد، اما در حقیقت فتح کشور را تا سال ۱۹۱۴ به طول انجامید. سرزمین چاد در سال ۱۹۰۴ به مستعمره فرانسیسی اویانگی - چاری ضمیمه گردید و در ۱۹۱۴ به مستعمره مجزای آفریقا و فرانسه در نواحی استوایدیل شد. مبارزه مردم چاد برای رهایی ملی خود مخصوصاً از جنگ دوم جهانی شدت یافت. چاد در ۱۹۶۶ به سرزمین "ماورا بار" فرانسه و در سپتامبر ۱۹۵۸ به جمهوری درون جامعه فرانسه تبدیل شد. ف. تومبال بیله رهبر حزب ترقی - خواه چاد رئیس حکومت این کشور شد. چاد در ۱۱ اوت ۱۹۶۰ استقلال یافت. در ۲۲ اکتوبر ۱۹۶۰ قانون اساسی رژیم جمهوری این کشور که قیلا استقرار یافته بود، صورت قانونی یافت.

چاد دارای منابع طبیعی غنی است. در این کشور مقدار یسر قابل توجهی مواد معدنی چون نفت، اورانیوم، تنگستن، نیکل، پلاتین، من، طلا و سنگ آهن کشف شده است. در چاد سود سوزآور و نمک استخراج می شود. وضع فقهی و خاک کشور کشت پنبه، برنج، بادام زمینی و سایر کشت های ارزشمند را ممکن ساخت. چاد با داشتن اقتصاد یتک محصولی کارنگذشته، استعماری به ارت رسیده کشوری عقب مانده و فلاحتی است. ۸۷٪ جمعیت فعال کشور در کشاورزی و دام پروری و ماهیگیری مشغول بکارند. تولید صنعتی تقریباً ۱۲٪ تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد. در کشور تنها ۷۱ واحد صنعتی وجود دارد. بزرگترین مؤسسات صنعتی، کشور عبارتند از: کارخانه پنبه پاک - کنی، مجتمع پارچه بافی، کارخانه جورآبافی، مجتمع تولید گوشت، آجر

بقیه از صفحه ۱

بورژوازی سازشکار ...

آمار رسمی نشان می دهد که تا چه اندازه نفوذ بانکها و انحصارات امپریالیستی در مصر تقویت شده اند. رشد اقتصاد این کشور به واسطه وام های سنگین خارجی متوقف شده است. این آثار مخرب در اقتصاد مصر بندرت در مطبوعات کشور منعکس می شود و غالباً آن را با عوامل خارجی و خوش بینی سفارشی از انظار پنهان نگاه میدارند. با وجود این نابسامانی وضع مالی و اقتصادی مصر آنقدر محسوس و دردناک است که نگرانی شدیدی در اقتصاد دانان، افکار عمومی و محافل دولتی - کراتیک مصر را فراهم آورد. به گزارش حزب ترقی خواه ملی (چپ) طی هفت سال تعقیب سیاست مشهور درهای بساز وام خارجی این کشور تقریباً از ۲/۱ میلیارد دلار به ۱۶ میلیارد دلار افزایش یافته است. نتیجهم این که هر فرد مصری از جمله نوزادان تقریباً ۴۰ دلار به طلبکاران خارجی بد هکارند. این رقم از درآمد متوسط سرانه سالانه خیلی بیشتر است. بنوشته روزنامه الشعب ارگان حزب سوسیالیستی کار که از احزاب مخالف است ۴۳ بانک

سازی، دو چرخه سازی، کارخانه تولید کره وغیره. اتومبیل های سواری وسیله مهم حمل و نقل را تشکیل می دهند. مجموع جاده های آسفالته کشور ۲۴ کیلومتر است. در فصل باران رودخانه های شاری ولوگون به راههای مهم ارتباطی تبدیل می شوند. یک فرودگاه بین المللی در نجاسا ساخته شده که همه هواپیماهای مدرن می توانند در آن فرود بیایند. ارتباطات هوایی برای این کشور اهمیت بسزایی دارد. چاد در منطقه پولی فرانک قرار دارد. واحد پولی کشور فرانک است (۰.۲ = / فرانک فرانسه). کسری موازنه بازرگانی خارجی دائمی است. تقریباً ۷۰٪ صادرات کشور به اروپای باختری تعلق دارد که ۴۰٪ آن در دست فرانسه است. وام های سنگین خارجی موقعیت مالی کشور سطح زندگی زحمتکش را به مخاطره انداخته است. چاد برای هر ۵ هزار سکه یک پزشک وجود دارد. تنها ۲۵٪ کودکان امکان دارند به مدرسه ابتدائی راه یابند. تقریباً ۱۶ هزار دانش آموز در مدارس متوسطه مشغول تحصیل اند. دانشگاه نجاسا که در ۱۹۷۵ تأسیس شد یگانه مؤسسه آموزش عالی محسوب می شود.

ناتوانی حکومت تومبال بیله در حل موثر وظایف اجتماع - اقتصادی و تحمیل سیاست نو - استعماری ترویل پیشین (فرانسه) به کشور ناراضی گسترده ای در محافل ترقی خواه چاد برانگیخت. این ناراضی هنگامی شدت یافت که رژیم تومبال بیله به حمایت از قشرهای مرفه کاتولیک جنوب چاد، منافع و خواست های اکثریت قاطع جمعیت مسلمان ولایت ها و قبایل مختلف را نادیده گرفت. این امر موجب شکل بندی جبهه رهایی ملی (فرولینا) در سال ۱۹۶۶ گردید. پایه گذاران این جبهه با هم آباشا بود. نیروهای مسلح خلقی جبهه (فاپ) بر ضد حکومت مرکزی

وارد جنگ وسیع چریکی شد. اقدامات ف. تومبال بیله برای ریشه کن کردن این جنبش ملی رزم پشتمبانی مستقیم نظامی فرانسه ناماند. در آوریل ۱۹۷۵ یک کودتا نظامی در نجاسا به وقوع پیوست. رژیم جدید تحت رهبری ژنرال ف. مالوئوم که با ترویل سابق (فرانسه) روابط نزدیکی داشت بدین کامیابی سیاست ناپودی فرولینا را از نظامی تعقیب کرد. در اواسط سال ۱۹۷۸ واحد های متعلق به نیروهای مسلح خلق (فاپ) نیمی از سرزمین کشور را آزاد کرد و مستقیم به سمت نجاسا پیشرفت نمود. برنامه فرولینا که در فوریه ۱۹۷۸ در فیلا روزبه تصویب رسید وظایف اصلی انقلاب رهایی بخش ملی چاد را فرمول بندی نمود. متقابلاً نیروهای وابسته به ارتجاع خارجی و داخلی فعال شدند و سعی کردند درون جنبش شورشگر انشعاب بوجود آورند. در اوت ۱۹۷۸ بین دولت ف. مالوئوم و گروه بندی نیروهای مسلح شمال به رهبری حسن هابره که از فرولینا انشعاب کرده بود، پیمان اتحاد منعقد گردید. در نتیجه مالوئوم رئیس جمهور و هابره نخست وزیر شد. این اتحاد مدت زیادی بطول نیانجامید. در فوریه ۱۹۷۹ یک توطئه سلحانه بین اعضای اتحاد به وقوع پیوست، نیروهای مسلح فرولینا به رهبری اوادی گوکونی از آن استفاده کردند و به نجاسا وارد شدند. رژیم پیشین واژگون شد.

در این دوره، ۹ گروه بندی نظامی - سیاسی خارج از فرولینا و فان (نیروهای مسلح شمال) در کشور بوجود آمد. یکی از آنها موسوم به نیروهای مسلح چاد (فات) تحت رهبری و. کاموز بود. این گروه بندی های نیروی زینفوضه واقعی را تشکیل نمی دادند. با این همه اوادی گوکونی رهبر فرولینا، سازمانی که مواضع سلط در نجاسا را احراز کرده بود موفق شد به نفع آشتی ملی اندیشه ایجاد دولتی مرکب از نمایندگان

۱۱ فراكسيون ديگر براه كرسی بنشا - ند. طبق موافقت نامه لاگوس که در نوامبر ۱۹۷۲ به امضا رسید يك دولت موقت وحدت ملی بوجود آمد. در این دولت اوادی گوکونی بهت رئیس جمهور (و در عین حال رئیس دولت) و. آ. کاموز بهت معاون رئیس جمهور و ح. هابره بهت وزیر دفاع را بدست آورد. در فاصله نوامبر ۱۹۷۹ تا مارس ۱۹۸۰ خط مشی دولت موقت وحدت ملی سازی ساختن اوضاع کشور بود. اکثر گروه بندی های نظامی - سیاسی حکومت تعالی خود را نسبت به تأمین وحدت واقعی کشور و ایجاد تد رجوی جبهه وسیع دولتی - کراتیک ابراز داشتند. در فعالیت دولت موقت وحدت ملی به اجرای تصمیمات موافقت نامه لاگوس: تأمین فعالیت مجدد دستگاه دولتی، غلخ سلاح کردن پایتخت و اخراج واحد های نظامی فرانسوی مستقر در پایگاه هوایی نزدیک نجاسا توجه ویژه ای معطوف شده بود. اما هیچیک از مواد موافقت نامه اجرانند. زیرا در ۲۳ مارس ۱۹۸۰ حسن هابره سر بازار خود راطلیه حکومت شوراند و کوشش کرد با کودتای نظامی قدرت را قبضه کند. به گزارش روزنامه ها حسن هابره از مصر، سودان، عربستان سعودی و محافل ارتجاعی غرب کمک نظامی و مالی دریافت می کند. طبق تصمیم دولت موقت وحدت ملی هابره از دولت اخراج شد. رهبران همه گروه بندی های نظامی - سیاسی به استثنای یکی از آنها حکومت گوکونی را مورد پشتیبانی قرار دادند. حکو - مت گوکونی از جانب سازمان وحدت آفریقا، کشورهای همسایه و مجموع جامعه بین المللی قانونی شناخته شده است.

هابره بانکیه بر محافل ارتجاعی داخلی و خارجی تأمین او را سعی کرد از راه برانگیختن جنگ داخلی اوضاع راه سود امپریالیسم ومقامات مرتجع محلی تغییر دهد. اما اراده خلق این توطئه را با شکست و ناگامی روبرو ساخت وموضع حکومت ضد امپریالیستی را بیش از

پیش تحکیم نمود. بدین سان امپریالیسم یک انبیا گاه های دیگر خود را در آفریقا از دست داد. جمهوری چاد عضو سازمان ملل متحد و تعدادی از سازمان های ویژه آن وهمچنین عضو سازمان وحدت آفریقا و جنبش کشورهای غیر متعهد است. سیاست ضد امپریالیستی این کشور از جانب همه کشورهای مترقی و صلحدوست جهان حمایت و پشتیبانی می شود.

روابط برابر حقوق با کشورهای سوسیالیست جهان و به ویژه اتحاد شوروی زمینه های مساعدی برای تحکیم بانی اقتصادی و رشد استقلال آزاد کشور فراهم آورد. يك موافقت نامه همکاری مخصوصاً در زمینه تعلیم کار ملی به امضا رسید. دست به میهن بازگشتاند. بیش موافقت نامه در یک مدت کوتاه قریب ۱۴۰ شهروند چاد دوره تحصیل عالی وتخصص خود را در اتحاد شوروی به پایان رسانده و برای خدمت به میهن بازگشتاند. بیش از ۴۰ دانش آموز همچنان به تحصیل و کسب تخصص در شوروی مشغول اند. این نوع کمک ها که در چارچوب احترام کامل و بی گزند به استقلال وحاکمیت این کشور بعمل می آید، ضامن مطمئتی برای شالوه ریزی اقتصاد ملی در گریز از قید و بند های نواستعماری است.

اتحاد مردم
مدیر مسئول وصاحب امتیاز:
محمود اعتماد زاده (۱۰۰۰ بآذین)
سر دبیر: محمد تقی پروند
صندوق پستی شماره ۲۱۴/۱۱۱۷ منطقه ۱۳
خوانندگان و دوستان ارجعند
همه مراجع رسمی وغیر رسمی می توانند بآدرس فوق باما مکاتبه کنند.
برای نبرد با امپریالیسم
آمریکامتحد شویم!

های اقتصادی دولت، ضرر برای سرمایه گذاری های سالانه به بیش از ۴ میلیارد لیره نیاز دارد. در پایان هر دوره مالی، بانکهای خارجی به موهبت تسهیلاتی که برای شان وجود دارد. همه درآمد های غارتگرانه شان را به خارج برمی گردانند. بنابراین همانطور که مدیر صری سرمایه گذاری ها خاطر نشان می سازد، تنها در ۱۹۸۰ سود این بانک ها به ۲۵۰ میلیون لیره بالا رفت که سه بار بیش از سرمایه ویزشان است. بدین سان می بینیم نیولی که برای اقتصاد ملی مورد نیاز است به خارج فراری دهند. موقعیت بانک مرکزی مصر تا سلف انگیز است. قانون سرمایه گذاری های خارجی این بانک را از حق نظارت بر فعالیت این موسسه خارجی محروم داشته است. این بانک نمی تواند مانع چیزی شود که الضعف آن را "برش منظم تحمیل شده" نامیده است. نمی توان گفت که اقتصاد دانان مصر ناظران منفی این "برش منظم" اند. از این رو، آنها پیشنهاد کرد فاند که ترتیبی اتخاذ شود که بانکهای خارجی ملزم شوند بخشی از سود به نقد در صفحه ۳

بیش از پیش جذب شود. به نوشته هفته نامه "الاقتصاد" علت اساسی رکود بانکهای داخلی و رونق بانکهای خارجی از این قرار است: نخست این که بانکهای خارجی توفیق یافته اند بهترین مدیران، اقتصاد دانان و حسابداران را استخدام کنند. دوم این که این بانکها تکنولوژی محاسباتی فوق مدرن در اختیار دارند. ونفوذ و گسترش شعب آنها از رقبای ملی خیلی بیشتر است. سوم این که بسیاری از نمایندگان بورژوازی انگل صر که مبالغ نجومی از راه سوداگری ومعاملات ناشروع فراهم آورده اند، ترجیح می دهند پولهایشان را در بانکهای خارجی بگذارند که در اختفا و صون ماندن از تضمین بیشتر برخوردار است.

لازم به یاد آوری است که سرمایه گذاری های این بانک ها در خارج از صر به ۷۸۲ میلیون لیره رسیده، در صورتی که اعتبارات توفیقی داخل کشور از یک چهارم مبلغ فوق تجاوز نمی کند. وانگهی آنها صرفاً در زمینه واردات سرمایه گذاری می کنند و از سرمایه گذاری در رشته تأسیس مؤسسات صنعتی امتناع می ورزند. و این در لحظاتی است که به قول علی جمال ناصر وزیر همکاری خارجی در مصر فعالیت می کنند. هفته نامه "الاقتصاد" که بیانگر خط مشی رسمی است نتیجه بررسی های خود را در باره اوضاع اقتصادی مصر با لحن ملایمی منتشر کرده است. بانک مرکزی صراز ۱۹۷۶ در گزارش های خود در باره اوضاع اقتصادی کشور همواره اعلام خطر می نمود که بانکهای خارجی به جای جلب سرمایه به صر به مرکز صدور این سرمایه ها تبدیل شده اند. از آن تاریخ چهار سال گذشته است. آخرین گزارش منتشره بانک مرکزی در باره وضع مالی کشور (سپتامبر ۱۹۷۹) این اضطراب ها را تأیید نمود. در این تاریخ ذخایر صر در بانکهای خارجی به ۹۰۴ میلیون لیره صری رسید. (که البته ۷۵٪ سرمایه بانک های خارجی به پول مجلسی) تنها ۲۷/۹ میلیون لیره یعنی کمتر از یک هم همه دارائی هایشان بود. برای جلب سرمایه های خارجی به کشور اطمینان رئیس های بانک ها دعوت بعمل آمد که تدابیر انتخاب کنند تا ناهشت های صری های داخل کشور و آنهايي که در کشورهای عربی کار می کنند،

بقیه از صفحه ۱

نمونه‌ای از ...

کارشناسان رنگارنگ جهان سرمایه - داری بود پشاپیش آنها شوروی شناسان "کشورهای امپریالیستی فوراً از این پش پش بپوش" سیاه نتیجه گیریهای سیاسی برداختند آنها با قاطعیت اعلام داشتند: چون استخراج نفت در اتحاد شوروی رو به کاهش است لذا آن دولت سعی خواهد کرد منابع نفت خاور نزدیک و میان راه دست آورد. تا هم نیاز خود را به نفت مرتفع سازد و هم راه تأمین اروپای غربی و آمریکا از لحاظ نفت را زیر نظر بگیرد.

این گزارش سیا و با اصطلاح پش پش "من در آوردی اداره" جاسوسی آمریکا، که در حقیقت امر به خاطر چنین نتیجه گیریهای سیاسی در مراکز امپریالیسم خبری ساخته و پرداخته شده بود، توسط بعضی محافل معلوم الحال کشورهای عربی فوراً به خدمت گرفته شد. بلا درنگ انور سادات در مصر مترسک مدرس "خطر شوروی" را طم کرد و در هر سخنرانی و نطق و خطابه‌ایک ایراد می کرد حتماً از "خطر شوروی" برای منابع نفت کشورهای اسلامی سخن می گفت. نکته نگذاریم که بعضی مطبوعات و محافل کشور خودمان ایران نیز به تکرار این گونه مطالب تعالی شددیدی داشته و دارند.

اما اکنون واقعیات، اسناد و ارقام، آنهم بوسيله خود آمریکا تنها به اثبات رساندند که اتحاد شوروی نه اینکه کمبودی از لحاظ نفت ندارد، بلکه برعکس استخراج نفت در آن کشور رو به افزایش است. در همین حال، با زهم واقعات موجود اسناد و ارقام نشان دادند که کمبود نفت حقیقتاً هم وجود دارد. اما در ایالات متحده آمریکا.

ماد را بنجا وقت خوانندگان را با توضیح طلب این موضوع نمیگیریم و فقط بانقل قول مختصری از اظهارات همین اقتصاددان آمریکایی گلدمن اکتفا می کنیم. در گزارش همایش ملی که دو ماه پیش (اواسط آبانماه) در شهر فیلادلفی پیرامون وضعیت انرژی در اتحاد شوروی برگزار گردید معاون بخش روسی دانشگاه هاروارد گفت: "من به مراتب ترجیح می دادم گرفتار مسائل آنها باشم تا گرفتار معضلات خودمان. ما مجبوریم تقریباً ۴۰٪ از نفتی که صرف می- کنیم از خارج وارد کنیم. و در ادامه سخن خود متذکر شد، که اما اتحاد شوروی نه فقط کاملاً خود را از حیث نفت تأمین می کند، بلکه مقدار قابل ملاحظه‌ای هم صادر می کند.

بدین ترتیب، کاملاً و بار دیگر آشکار می شود که اینگونه "حدسیات" و پش پش کوئی ها در باره "کاهش استخراج و ذخیره نفت در اتحاد شوروی" و به اصطلاح "استنتاجات پیرامون" نقشه های روس ها برای دست یابی به نفت خاور نزدیک همه و همه ساخته و پرداخته اداره مرکزی جاسوسی ایالات متحده آمریکا، توطئه سیاه به قصد فریب افکار عمومی جهانیان است. هدف این توطئه سیا و جارجینال "امپریالیسم

خبری در جهان از یک سوزخرف ساختن ناراضی ها و نگرانی های مردم کشورهای غربی، از کمبود انرژی و دشواری های زائیده از آن، ازطل اصلی این کمبود، یعنی از سیاست فارتگری وحشیانه انحصارات سرمایه - داری است. از سوی دیگر، هدف این توطئه، تحریک کردن و برانگیختن کشورهای خاورمیانه و نزدیک طیه اتحاد شوروی است که گویا این دولت نسبت به منابع نفت آن کشورها سوء قصد کرده است. در صورتیکه اتحاد شوروی، برعکس، کاملاً امکان آنرا دارد که مناسبات همه جانبه و برابر حقوق را با این کشورها گسترش دهد.

ایالات متحده آمریکا می خواهد با ایجاد چنین وضعیت عدم اعتماد در این کشورها نسبت به اتحاد شوروی، نقش به اصطلاح "نجات دهنده" خلقهای عرب را برای خود دست و پا کند، و در حقیقت زیر این پرده هر چه بیشتر در این منطقه از جهان نفوذ کرده، مواضع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را تحکیم نماید توطئه گران آمریکائی چنین حساب می کنند: هر چه در جهان اسلام ترس و هراس از اتحاد شوروی بیشتر باشد، بهمان اندازه هم خالت و به اصطلاح "حمایت" آمریکا بیشتر قابل توجیه می شود.

در صورتیکه در واقع، بر خلاف ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی به هیچوجه ادعائی نسبت به ثروت های طبیعی و منابع نفتی کشور های دیگر نداشته، و مانند ایالات متحده آمریکا، آن سرزمین ها را "مناطق منافع حیاتی" خود اعلام نکرده و نمی کند. هیچگاه و هیچکس در اتحاد شوروی در باره "برقراری نظارت و کنترل بر منابع نفت دیگران سخن نگفته و نمی گوید، برای دیکته کردن شرایط خود به دیگران جهت خرید و فروش نفت در بازار جهانی سعی نکرده و نمی کند. در صورتیکه نمایندگان رسمی دولت آمریکا بکرا به چنین کاری دست زدند. آنها سرزمین های نفت خیز دیگران را "مناطق حیاتی" آمریکا اعلام کرده اند. و چنانکه واقعات روزانه نشان داد است، این اظهارات آنها تنها گفتار و بیانی نیست. آنها اظهارات خود را با فعالیت های گسترده نظامی همراه کرده اند. آنها به نمایش قدرت و تمركز و گان- ها و دیگر نیروهای نظامی خود در حوضه خلیج فارس و کشورهای منطقه پرداخته اند، به مانورهای نظامی و آموزشیهای مشترک نیروهای آمریکا و مصر در منطقه دست زدند.

آنها با زهم دلایل دیگری لازم است تا نشانند هد که چگونه دولت آمریکا با تمام وسایل سعی دارد که کشورهای عربی و دیگر خلقهای منطقه را زیر فشار روحی دائم التزاید قرار دهد تا با تحریک، توطئه، خرابکاری آنها را از لحاظ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی زیر سلطه خویش گیرد؟ آنها هنوز وقت آن نرسیده است که در کشورهای منطقه بالاخره به ماهیت پلیدی این بازی که دستگاه های جاسوسی، دیپلماسی و رسانه های گروهی آمریکائی در خاور میانه و نزدیک بدان دست زدند، بی برده شود؟ و نتایج لازم گرفته شود؟

هشتادمین سالروز تولد آنا زگرس نویسنده نامی جمهوری دموکراتیک آلمان

نویسد: "قلوب مردم نیز مانند شهر - هائیکه در آنها زندگی می کردند ویران و بی رمق بود". آنا زگرس پس از سفر در دوم خود به اتحاد شوروی این اثر را نوشت اولین مسافرت وی در سالهای قبل از جنگ دوم جهانی بود و این بار نه تنها سالهای متعادی از آن زمان گذشته بود بلکه میهن وی آلمان و اتحاد شوروی جنگ جهانی دوم را از سر گذرانده بودند و در همین روزهای دشوار پس از جنگ بود که آنا زگرس به اثر خود عنوان "مردم شوروی" را می دهد.

آنا زگرس در سالهای ترور فاشیستی با همسر خود به جنبش مقاومت ضد فاشیستی پیوست و تاگزیر شد میهن خود را ترک و به فرانسه مهاجرت کند. زمانیکه آنا زگرس به فرانسه مهاجرت نمود، سرزمین فرانسه در اشغال آلمان هیتلری و زیر چنگلهای ارتش هیتلر پایمال می شد و خیا بانهای پاریس مملو از فراریان و اسیران جنگی بود. آنا زگرس چند بار تلاش کرد از پاریس خارج شود ولی موفق نشد و از بیم پیگرد به آشنایان خود در پاریس پناه آورد و در هر لحظه، زندگی او و فرزندانش در خطر مرگ بود. شوهر آنا به همراه دیگر مبارزان ضد فاشیسم در یکی از اردوگاه های مرگ در بازداشت به سر می برد. آنا زگرس در خاطرات خود از آن سال ها می نویسد: "بنظرمی رسید که دنیا به آخر رسیده و در جهان نیروی نی وجود ندارد که فاشیسم را متوقف سازد و بشریت را از این طاعون نجات دهد. سرانجام آنا موفق شد از پاریس به ماریس برود و اثر خود

آنا زگرس در سال ۱۹۰۰ در آلمان تولد یافت و از سن جوانی فعالیت ادبی خود را آغاز نمود. پر - ثمرترین دوران فعالیت این نویسنده مصادف بود با دوران تسلط دیکتاتوری سیاه فاشیستی در آلمان و آغاز اجرای نقشه های تجاوزی فاشیسم هیتلری برای تسخیر اروپا و جهان.

در آثار آنا زگرس که یکی از نما - یندگان برجسته هنر داستان نویسی به سبک رئالیسم سوسیالیستی است اندیشه و آرمانهای توده های زحمتکش مبارزه علیه دیکتاتوری فاشیستی و جنگ و دفاع از صلح و بهروزی خلقها بارزتاب یافته است. آثار وی که بیانگر و نموداری از حد اطلاق هنر ضدی است سرشار از احساسات انسانی و ستانه، و مشحون از اندیشه های همبستگی و انترناسیونالیسم می باشد. در آثار این هنرمند برجسته مانند "زمان هفتمین صلیب"، "مرد ها جوان می ماند"، "مصمم" و داستانهای "قیام هایگران" "باران مقدس"، "مجموعه های" "نیش زنبور"، "نان و نمک" و "درام محاکمه" زاندارک"، "دیوسیا فاشیسم بعنوان دشمن بشریت تجسم یافته و از آزادی وصلح و سعادت خلقها دفاع شده است. آنا زگرس در سال ۱۹۵۹ به جایزه ملی جمهوری آلمان دموکراتیک و سپس مدالهای میهن ولیاقت نائل آمد.

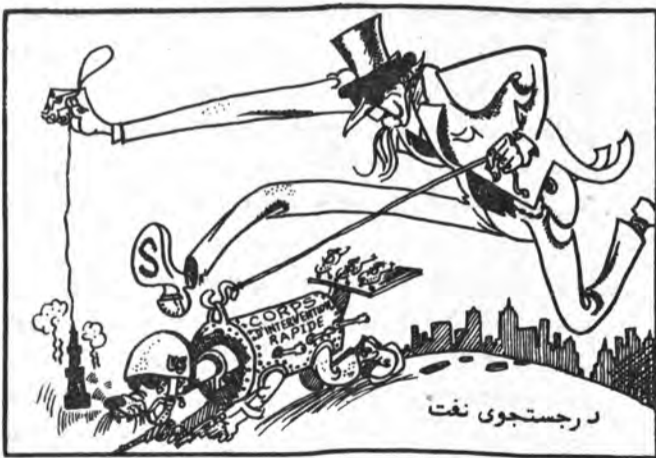
یکی از آثار آنا زگرس که در سال ۱۹۴۸ انتشار یافت، "مرد شوروی" نام دارد. در زمان انتشار این اثر هنوز جمهوری دموکراتیک آلمان در نقشه جغرافیائی وجود نداشت. آنا زگرس در باره "این سالها می -

بقیه از صفحه ۲

بورژوازی سازشکار ...

هایشان را در اقتصاد مصر سرمایه گذاری کنند. بر اساس فرمانی که بتازگی صادر شد بانکهای خارجی باید ۱۵٪ ذخایرشان را به ارز آزاد قابل تبدیل به بانک مرکزی مصر بپردازند. اما سرمایه های خارجی گوششان به این حرف ها و مقررات بد هگار نیست. در حقیقت در برابر آن همه قید و بند هائی که اقتصاد مصر در قبال انحصارات امپریا - لیستی دارد، گفتگو از قانون و مقررات یا وهای بیش نیست. فرمانروایان مصر چگونه می توانند در برابر این نوع نقض مقررات عکس العمل نشان دهند؟ بعکس آنها تسهیلات جدیدی برای آنها قائل شده اند.

مدیر سرمایه گذاری های مصر که فعالیت وام دهندگان خارجی را با طرح های دولت هماهنگ می سازد، اختیاراتی برای آنها قائل شده که به آنها حق می دهد که مسترا - تری رشد اقتصادی مصر را تعیین کنند. محافل دموکراتیک مصر این تصمیم را گام جدیدی برای انقیاد روزافزون مالی کشور می بینند. این محافل خواستارند که بخدمت بانکهای خارجی برای استحکام اقتصاد مصر ورهائی آن از سلطه انحصارگران مالی خاتمه داده شود. آنها اعلام می دارند تا



در جستجوی نفت

شرکت فعال در جنگ عادلانه
برضد دولت متجاوز عراق
یک وظیفه انقلابی است!

زمانی که خداوندان خیانت به آرمانهای انقلاب ژوئیه ۱۹۵۲ بر سر دست قدرت نشسته اند، مصر از قید امپریالیسم و صهیونیسم نجات نخواهد یافت. بورژوازی سازشکار و لیبرال صبر به رهبری سادات خائن به انقلاب ضد امپریالیستی مصر خیانت کرد و این کشور را به جولانگاه نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی امپریالیسم تبدیل نمود.

بقیة صفحه ۱

مسابقه تسلیحاتی

چارچوب پیمان آنلانتیک شمالی، این بلوک عمده سیاسی و نظامی جهان سرمایه دار مدام شدت می یابد. متحدان آمریکا را یگرا داده، خود را استقلال بیشتر و سیاست خارجی و برای حفظ و تحکیم روند تشنج زدائی که وسیعاً به سود آنهاست پنهان می کند.

کشورهای سوسیالیستی به رشد کامیابانه خود ادامه داده، قدرت اقتصادی خود را افزایش می دهند، همکاری سیاسی، اقتصادی، علمی و فنی شان را استحکامی بخشند و بیوند سازنده، خود را رهمه زمینها با کشورهای در راه رشد توسعه می دهند. توده های خلق بطور روز افزون از سیاست صلح و خلع سلاح پشتیبانی می کنند.

نظامی شدن اقتصاد آمریکا

تلاشهایی که امپریالیسم آمریکا برای بازگرداندن روند — های مذکور از راه جنگ و میلیتاریسم به عمل می آورد، موقعت ایالات متحده، مخصوصاً موقعت مردم این کشور در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی بیش از پیش وخیم می سازد. در عین حال اقدامات واشنگتن موجب تسریع کنش نیروهای گریز از مرکز در درون پیمان آنلانتیک می شود و مخالفت فزاینده، خلقهای جهان را برمی انگیزد. هنگامی که کارتر برصند قدرت نشست به وعده انتخاباتی خود در زمینه کاهش هزینه های نظامی وفا نکرد. اما از آنجا که افزایش ها در صنایع سنگین متمرکز شد بود، لذا هزینه های نظامی مربوط به موقعت های بحرانی به سرعت افزایش یافت. در حقیقت، افزایش تولید ابزارهای جنگی که از سال ۱۹۷۸ به بعد به میزان ۱۰٪ در سال بوده است، اکنون وارد مرحله افزایش سریع تری می شود. کارتر پس از در پیش گرفتن اسلوب هائی که در دوران جنگ سرد بکار می رفت، در طرح بودجه سال مالی ۱۹۸۱ که در ژانویه ۱۹۸۰ تقدیم کنگره نمود از تزه های قدیمی — اش عدول کرد و هزینه های نظامی را ۵٪ (به قیمت های واقعی) افزایش داد. او درخواست کرده به پنتاگون اجازه داده شود که در سال مالی ۱۹۸۱ تا ۱۶۱/۸ میلیارد دلار قرارداد امضاء کند. این رقم ۲۰ میلیارد دلار از اعتبار ۱۹۸۰ بیشتر است.

کارتر و کنگره میلیارد ها دلار به بودجه نظامی ۱۹۸۱ اضافه کردند. تا جائی که جمع مبلغ مورد استفاده در روزون گذشته به ۱۷۱/۳ میلیارد دلار رسید. این افزایش در حدود ۳۰ میلیارد دلار در سال است، یعنی بیش از ۲۰٪ اما این پایان ماجران نیست. "بازهای" راست افراطی در کنگره شوق بازم بیشتر هزینه های نظامی هستند، حال آنکه لیبیرالهای ضد شوروی به بهانه این که تاکنون افزایش اعتبارات نظامی برای انباشت سلاحها مورد استفاده قرار گرفته، می طلبند که سایر فصول بودجه نظامی بطور متوازن افزایش یابد.

این یک افزایش بی سابقه نظامی گری در زمان صلح است و مشخصات مشابهی با تجربه زمان جنگ دارد. این قیاس با توجه به قانون جدید کنگره که به رئیس جمهور اختیار قانونی می دهد افراد را به خدمت وظیفه فراخواند، پیش از پیش مسجل می شود.

آنچه مخصوصاً موقعت کونی ایالات متحده را مشخص می دارد این واقعیت است که افزایش بودجه نظامی از محل اعتبارات دولتی برای نیازهای اساسی غیر نظامی تأمین می گردد. بنابراین، تنها زندگی مردم آمریکا، مخصوصاً زندگی قشرهای خیلی فقیر جمعیت که در مرحله های محصور هست زندگی می کنند. قربانی سیاست نظامی گری می شود. هدف از سیاست افزایش بودجه نظامی رام کسردن متحدین آمریکا در ناتو در زمینه هدف های سیاست خارجی این کشور و تبعیت آنها از نمونه ایالات متحده در مسابقه تسلیحاتی است. اما هدف اساسی این سیاست تأمین برتری نظامی در مرحله "ضربه نخست" در چارچوب تدارکات برای براه انداختن جنگ هسته ای بر ضد شوروی و تشکیل نیروهای واکنش سریع" برای تجاوز به خاورمیانه و دیگر مناطق است که شرکتهای آمریکائی در آنجا فعالیت می کنند. ایالات متحده آمریکا به بهانه این که در کامپیوتر سیستم فرماندهی دفاع هوایی این کشور "اشتباه" رویداده با دادن آماده باش اتمی "می آزماید" تا چه فاصله ای می تواند برای حمله موشکی به شوروی آماده شود بدون این که فرصت واکنش به این کشور داده باشد. این اقدام بهینتاگون امکان داده است که بطور منظم بمب افکنهای آمریکائی

را که مجهز به سلاح اتمی هستند بطرف مرزهای شوروی گسیل دارد و بشریت را در دوقدمی بروز فاجعه اتمی قرار دهد که فرصتی برای پیشگیری آن نباشد.

در حالی که کارتر می کوشد رسوائی مسابقه تسلیحاتی را با "وقایع افغانستان" و ایران یا "خطر شوروی" توجیه کند، حقیقت امر توسط مطبوعات بورژوائی راستگرا که شوق او در این سیاست اند، از پرده بیرون می افتد.

هفته نامه "بیزنس ویک" در ۹ ژوئن ۱۹۸۰ نوشت: در زمینه استراتژیک سأل های که کارتر با آن روبروست این است که اروپای غربی را متقاعد سازد که از سیاست پیشین خود مبنی بر عقب نشینی آمریکا برای همیشه دست شسته است... و احیاء پیمان آنلانتیک شمالی در سطح وسیع تر احتمالاً به نایب نیاز دارد که ایالات متحده بکوشد مجدد ا برتری خود را در تسلیحات استراتژیک برقرار کند. برای نیل به این هدف آنها خواهند توانست از قرارداد آمریکا — شوروی سال ۱۹۷۲ که سیستم های دفاع ضد موشکی را منع می کند، صرف نظر نمایند.

الیاس م شوادز بارت حقوقدان راستگرا در نامه خود که در ۳ ژوئن ۱۹۸۰ در جای نمایانی در نیویورک تایمز منتشر شد گسترش سیستم موشکهای MX را به دلیل مورد تشویق قرار داد که " قادر است مقدار متانیروه های استرا — تریک خصم را مورد حمله قرار دهد و بدین سان موازنه وحشت را برقرار نماید".

ویلیام سافیر مفسر نیویورک تایمز در شماره ۲۳ مه ۱۹۸۰ این نشریه محاصره دریائی ایران و از کارانداختن "بندر نفتی جزیره خارک (بایماران ها)، و لغو امضای ایالات متحده در پیمان سند نهائی هلسینکی را خواستار شد تا بتواند در تجدید نظر در نقشه اروپای شرقی به زبان کشورهای سوسیالیستی، منجمله اتحاد شوروی اقدام نمود.

تشدید واگشت اقتصادی

"اقتصاد ایالات متحده در حالت "سقوط آزاد" قرار دارد: همه شاخه های آنکه بتوانند چترنج را بگیرند سقوط می کنند. تکرار می کنم: همه شاخه ها به جز شاخه های که به تولید اسلحه می پردازد در حال سقوط اند. این موضوع بسیار پرمعناست، زیرا در گذشته افزایش سریع تولید سلاحها و هزینه های نظامی بطور کلی برای فعالیت اقتصاد متحده د یگر نمی توانست سیاست "توپ و گره" را بهم در آمیزد. و از این پس ناچار است برای افزایش هزینه های نظامی از هزینه های شاخه های غیر نظامی اقتصاد ملی بکاهد.

علی رغم افزایش سالانه تولید سلاحها که بیش از ۱۰٪ است، حجم کلی تولید صنعتی ایالات متحده در مقایسه با حد اکثر سطح گذشته ۱۰٪ و حتی بیشتر کاهش یافته است. تنهاد رفاصله سه ماه (مارس — ژوئن ۱۹۸۰) یک میلیون نفر در این کشور بیکار شدند. می توان با اطمینان گفت که به زودی شاخص رسمی بیکاری از ۹٪ دوره بحران ۱۹۷۵ — ۱۹۷۴ که شدیدترین بحران پس از جنگ بود، خواهد گذشت.

حال این سؤال پیش می آید که چرا مسابقه تسلیحاتی که در گذشته محرك موقتی اقتصاد بود، امروز موجب کاهش فعالیت اقتصادی ایالات متحده شده است؟ در این باب چند چیز قابل توجه است: در دوران گذشته، مثلاً در دوره جنگ کره و ویتنام، امپریالیسم آمریکا توانسته بود قسمتی از هزینه های نظامی کردن کشور را بشودید غارت کشورهای در راه رشد جبران کند. وانگهی سرمایه داری آمریکا از تضمین تحویل نفت و سایر مواد اولیه ارزان قیمت برخوردار بود و در پرتو سرمایه گذاری های چند ملیتی های ایالات متحده در کشورهای عضو پیمان آنلانتیک شمالی و کشورهای در راه رشد سود های اضافی گرد می آورد.

در حال حاضر با وجود افزایش سود های خارجی انحصاراً امپریالیستی، درآمد های خالص کلی امپریالیسم آمریکا تحت تأثیر افزایش پیمایی بهای نفت و همچنین عواملی که باعث خرابی شرایط بازرگانی ایالات متحده و سایر کشورهای سرمایه داری می شود، روبه کاهش است.

نتیجه کلی تمرکز استعداد های علمی، پژوهشی و مطالعاتی در قلمرو نظامی و همچنین تمرکز سرمایه گذاریها در خارج، به خطر انداختن تولید صنعتی ایالات متحده و تضعیف رقابت وی با رقیبان اروپای باختری آسیائی بوده است. موازنه تجارت محصولات کامل صنعتی بیش از پیش به ضرر ایالات متحده برهم می خورد و موجب پایین آمدن سطح اشتغال و کاهش فعالیت صنعتی در کشور می شود.

هزینه های روز افزون نظامی نتایج تومی شدیدی داشته است. مالیات بر سود های کمپانی ها و اارائی های

کلان دائمی کاهش می یابد و محدودیت هائی که قبلاً برای جلوگیری از اعمال نفوذ انحصارات در قیمت های محصولا — نشان وجود داشت، عملاً از بین رفته است. دنیای سرمایه داری از تومی که "لا رهای اروپائی" ایجاد می کنند و گردش عظیم بین المللی سرمایه ها به لرزه درآمده است. از همان نخستین ماههای ۱۹۸۰ نرخ تورم در ایالات متحده بطوری سابقای رشد یافت و به ۲۰٪ در سال بالغ گردید.

به همین ترتیب نرخ تنزیل به سطح بی سابقای رسید. جو نظامی گری و شونیم افراطی موجب آلودگی طبقه کارگر شده و اربابه تفرقه می اندازد و توجیهش را از دشمنان واقعی شان منحرف می سازد. سرمایه داران با استفاده از هیستری سیاست ضد شوروی دولت آمریکا به تعرض خود بر ضد منافع اقتصادی خلق وسعت می دهند. در حالی که سود های انحصارات ایالات متحده در سه ماه نخست ۱۹۸۰ به سرعت افزایش یافت، درآمد های واقعی جمعیت با آهنگ بی سابقای پایین آمد. از ۱۹۷۲ تا نیمه اول ۱۹۸۰ مزد واقعی کارگران بخش خصوصی برای یک هفته کار ۲۰٪ کاهش یافت و یعنی از این کاهش یعنی ۱۰٪ پس از پایان ۱۹۷۹ به ثبت رسیده است.

یک خصالت ویژه این است که اگر پیش از ۱۹۷۹ تنزیل (کند) درآمد های مردم از راه استخدام دیگر اعضای خانواده جبران می شد، امروز عکس آن جریان دارد. با تشدید بیکاری، اعضای فعال خانواده از بازار کار رانده می شوند. این وضع مخصوصاً شامل زنان، جوانان، افراد مسن و سیاهان است.

طلاوه بر این، اقدامات دولت در زمینه تخفیف بیکاری و فقر محدود می شود و در نتیجه آیین درد و رنج هاتوده مردم را بر ضرره قرار می دهد. مثلاً کنگره در بودجه ۱۹۸۱ که به تصویب رئیس جمهور رسید، تعداد شغل هارا که دولت برای بیکاران ایجاد می کند از ۷۳۰۰ هزار به ۴۰۰ هزار تقلیل داد. این برنامه های دولتی درصد کمی از بیکاران را جذب می کنند. با وجود این، با کاهش — های جدید شغل آنهایی که به موهبت برنامه های فوق العاده توسعه شغل استخدام شده بودند، به صفوف افراد بیکار در مقابل مؤسسات خصوصی پیوستند.

در ایالات متحده بیش از ۵ میلیون فقیر که ربع جمعیت را تشکیل می دهند، از راه کوبن های غذا که آن را رایگان یا نیم بها دریافت می دارند، زندگی می کنند، یا این که به برنامه های تقسیم مواد غذایی متکی هستند. با اطمینان می — توان گفت که جیره غذایی این اسیران دنیای سرمایه کاری بسیار ناچیزی دارد. با این همه کمک ناچیز درست در لحظه بحران اقتصادی که بیش از هر وقت دیگر به آن نیاز دارند، شدیداً کاهش یافته است.

بدین سان علی رغم زندگی در شرایط صلح میلیونها مردم وزن با محرومیت های ویژه زمان جنگ روبرو هستند. می — توان گفت که نخستین قربانیان سیاست میلیتاریسم خلق آمریکا ست. پنتاگون و شرکتهای بزرگ با زحمتکشان آمریکا به جنگ برخاسته اند تا برای تأمین سود بیشتر جنگ جهانی جدیدی را تدارک ببینند.

جنگ اقتصادی ایالات متحده بر ضد اتحاد شوروی و ایران، منع تجارت با کوبا، ویتنام و چند کشور دیگر اقتصاد آمریکا را هر چه بیشتر متزلزل می سازد. دستگاه رهبری آمریکا می پنداشت با قطع فروش غله دامی به اتحاد شوروی مردم این کشور را از گوشت محروم خواهد ساخت. اما همانطور که نیویورک تایمز نوشته است: یکی از نتایج عمده همین اقدام کاهش مهم درآمد های واقعی مزرعه داران آمریکائی به میزان ۲۵٪ بود.

مجله آمریکائی نیویورک اند ورلد ریپورت در شماره ۱۶ ژوئن گذشته تحت عنوان "ناکامی مجازات های آمریکا بر ضد روسیه" در این باره نوشت: "برنامه پرزیدنت کارتر برای مجازات اتحاد شوروی تاکنون به آمریکائی ها بیشتر از روسها صدمه زده است... محدودیت های بازرگانی برای روسها دشواری ناچیزی ایجاد کرده، اما برای مزرعه داران آمریکا — ئی و بسیاری از شرکتهای صنعتی ایالات متحده ضررهای فاحشی در پی داشته است".

ده سال است که استعداد های علمی، پژوهشهای اساسی و مطالعات آمریکا در قلمرو نظامی متمرکز شده است. تعداد بسیار محدودی از انحصارات به پژوهش های اساسی و مطالعات در امور غیر نظامی می پردازند. در عین حال پایگاه های نظامی و ناوگان های ایالات متحده در خارج، انحصارات این کشور را ترغیب می کند که با صدور سرمایه تولید صنعتی را در کشورهای دیگر افزایش دهند. از این رو، آنها تولید را در ایالات متحده کاهش می دهند، بقیه در صفحه ۵

پرچمدار

صمد و رغون

به سرغلتیده از آخرین پله حیات. این يك، پیشانی اش خون آلود، با اندام پولادین، سه نشان برسینه دارد. . . . برترایی می خورد، آتی از حرکت با زنی ایستد. می گوید: رفیق، نگران من مباش، بیم به دل راه مده، خون از تن رفته جانم رانمی ستاند. اگر اندکی درنگ کنم، دشمن پتیاره پای می گیرد. دوستان، برخیزید! فوج فوج به سان شاهین حمله ای دیگر آغازید! . . . خونهای گرم بر زمین فرو می ریزند، از شمشیرها شراره می بارد، از لرزش توپهای گرسنه، از صدای هراس انگیز شلیکها چهارسوی افق می لرزد. مردی باید و بایداری! فوج فوج به سان شاهین، به حمله دیگری دست می یازند. آلمان می گریزد، چه گریزی! پارهای از پای در می آیند، برخی پایه فراری کذارند. ایست! جلا، راه بر تو بسته است! ساز و برگ رها شده بر سنگ و خاک، مرگ نابهنگام زندگان. انتقام مادران، داغ عزیز بر دل. . . اما آلمان خبر ندارد. تنش چون مار فسرده در او پسین دم نیز گاه می لغزد و گاه می پیچد. همچنان در گریز، هزاران خانه را سر راهش به آتش می کشد. نگاه کن! خانه های می سوزند! دود به آسمان بلند است. انبارها، کشتزارها، کشتیهای شناور در رودخانه ها میان شعله های آتش می سوزند. همه چیزهای شگفت انگیز و زیبا، هزارویک اثر و آرزو، به آتش کشیده می شوند. هزاران کودک و زن و مرد پیر از خان و مان آواره گشته اند. زود آتشها را خاموش کنید!

تا از هوس منحوسشان سبزه زاران به زردی نگریند، و قرنفلها و یاسمنها! . . . خورشید می خندد، سحر می خندد، های . . . خود بیها آمدند! هنگام جنگ، بال و پر عقاب پیر نیرو می گیرد، تیر را رها می کند و زنجیرهای زنگ زدماش در دم برخاک می ریزند. . . خلقها گل و غنچه در دست، به پیشواز می ستایند، همدل و همزمان، و زبانها پر زحسین. قهرمانان ما، گروه گروه با افتخار ره می سپارند، با وقاری کوه سان قاه قاه می خندند. آن تانک ران سیه چشم و ابروی شاهین وش را نگاه کن،

آنگاه که آشیانه انسانها در آتش سوخت و خونهای سرخ روان گشته شراره انتقام افکند، آنگاه که شمشیرها دیگر در غلافشان ننگجید، در نخستین روزهای بهار به ذات زیبایی، به دره های پهناور، به دامن کوهساران سوگند خوردم. سحرگاهان به کانون پدران سوگند خوردم. . . قهرمانان، گروه گروه، صف به صف راه پیمودند. خاک گفت: صاحبی دارم. آسمن غریب: بختتان یار! نهرهای روان آن روز، برسم اسبان بوسه زدند. آن روز، از کج هر خاطری توفانی برخاست. آواز تونیز که ساز و برگ جنگی داشتی در کوهساران پیچید. توهنگام ورزش باد، گاه در گرفتن بوران، هنگام فرود آمدن آتش از آسمان و برخاستن بود از سنگها، در جبهه ها بودی. شب ظلمانی، افق سیاه، جبهه آسمان در هم. قلب زمین پر تیش عرصه تاخت و تازهاست. شب ظلمانی، افق سیاه، در تاریخ چهها که رخ نمی دهد! هوا پیمها با به پرواز در می آیند و تانکها نیز. . . از غرش دلاوران، باروت می بارد، دود می بارد. سراسر جهان در خون شناور است و نفس آسمان کهن سنگین. عقاب پیر در زنجیر، بالهایش در رقص، دیدگان اندوهگینش بر راه می گوید: برخیز، برخیز! انتقامت را بگیر! برخیز که عمر در تنگناست، رنگ در انتظار پژمرده. آزادیم کو؟ بزم و شادیم کو؟ دوستان و یارانم کجا بید؟ آیا گذشته را باز خواهیم یافت؟ مدافعان باز خواهند گشت؟ باز خواهند گشت! امیدوارم! زمین می لرزد، آسمان می غرد. قهرمانان حمله آغازید مانند پهلوانان زره برتن، پر جوش و خروش چون دریا. دشمن ستمکار، آلمان ستمکار! در زمستان سرد و یخ، صفت، دشمن به سان کوری دست به گریبان با مرگ، نصیبش بلا هستی اش مرگ. و گریزان از اوسعادتها. آلمان خوک صفت، می تازد چون گراز زخم خورده، و هر سورا به آتش می کشد. خون می لیسند سطح سنگها. تانکها، هوا پیمها هجوم می آورند. دره های تنگ پر طنین شمشیرها در خون شناور. گروهی کشته، پارهای تن افتاده برخاک. زمان با شتاب می گذرد. یاران یکدل، جدا افتاده از هم. . . یکی می میرد از نخستین گلوله،

از شادی اشک از دیده می بارد. چالاک بر بام بلندی می رود و پرچم را بر آن می نشاند. همه مردم شهر نگاهش می کنند. سحرگاه گلگون پیروزی، سپیده دم، چون مادری بر آن پرچم بوسه می زند. قلب بزرگ آزادی به سان عقاب بال می گشاید و چون خورشید نور می پاشد. آن سیه چشم شاهین وش آن قهرمان خنده روی محبوب آن نام آور زمان، کیست؟ پیکر دلاور و مردانه اش به سان دژ کوراغلی است. فرزند آزادیجان، تو از دیاری مقدس شاهین وش برآمدی از فراز صخره های کوهساران شاهبازان را آواز داده ای! تو بهار شکفته عشق و محبتی! تو به این شهر کهنسال برادر وار پا گذاشتی و پرچم خورشیدگون را در سحرگاهان آزادی آویختی. دست مردانه ات مریزد! عشق و آرزوی پاکت افسانه خواهد شد و دهان به دهان خواهد گشت.

سپتامبر ۱۹۴۳

ترجمه: بدرالدین مدنی

بقیه از صفحه ۴ مسابقه تسلیحاتی

زیرا آنها تشخیص دادند که قدرت خرید مردم آمریکا پایین می آید و در نتیجه راه های رایالات متحده برای رشد مهم و بادوام اقتصادی ناساعد است. کشورهای چون ژاپن که هزینه های نظامی شان يك در هم آمریکا است خیلی زود به رشد فنی و افزایش بهره روری کار دست یافتند. صنایع ژاپن توانستند سه بار بیشتر از صنایع آمریکا ماشین را جانشین نیروی کار انسان سازند. این گرایش ها قدرت رقابت محصولات آمریکائی را در بازار جهانی تضعیف نموده و تأثیر نامطلوبی بر فعالیت صنعتی آمریکا و سطح اشتغال آن دارند.

امروزه در حالی که ایالات متحده به بحران جدید اضافه تولید گام نهاد این گرایشها به سطح کیفیتا متفاوتی رسید مانند این کشور در زمینه کاهش و محو موسسات در شاخه های اساسی تولید بایک امید می واقعی روبروست و این وضع گریبانگیر بسیاری از کارخانه های انحصارات فول پیکر است که تا همین اواخر از کارخانه های بسیار بزرگ به شمار می رفتند. بیشترین قربانیان این امید می صنایع اتومبیل سازی بودند.

بسیاری از کارخانه های متعلق به کمپانی های جنرال موتورز و فورد بیشتر کارخانه های گرایسلر و خیلی از موسسات تولید کننده لاستیک، قطعات بدکی اتومبیل و غیره دچار چنین وضعی شد مانند هم اکنون در صنایع اتومبیل سازی ۳۰۰ هزار بیکار وجود دارد، برای اغلب آنها هیچ دورنمایی برای یافتن کار در رشته تخصصی شان وجود ندارد. زیرا کارخانه های آنها بایکلی تعطیل شده اند. یا تولید خود را برای مدت نامعلومی بسیار تقلیل داده اند. از سوی دیگر در این اوضاع و احوال ملاحظه می شود که جنرال موتورز و فورد در کشورهای دیگر دست به تأسیس کارخانه های زده، گرایسلر هم ظرفیت تولیدش را در مرکزك توسعه داده است.

اوایل اسال هنری کوفمان یکی از اقتصاد دانان وال استریت در نشست اتحادیه بانکداران اعلام داشت: من به عنوان يك اقتصاد دان به این نتیجه رسیدم که ما در منجلاهی فرورفتیم که بیرون آمدن از آن بدون دوسدن مخاطره آمیز و ستردن ضایعات ممکن نیست. من به عنوان يك آمریکائی باترس و وحشت اقراری کنم که کشور ما چقدر در چارهی نجاتی شده است. . . باید باور کرد که ما از راهی

عملکرد های سیا و ...

عملیات سیا تحت هوشی که باشند و هر شکی به خود بگیرند همه طی ده سال مبارزه بانیهوهای سوسیالیسم، دموکراسی، جنبش‌های ملی و پیشرفت اجتماعی به یک سبک بوجود آمده‌اند. مقایسه عملیات سیا بر ضد ایران و افغانستان با عملیاتی که این سازمان در ۱۹۵۶ بر ضد کوبا و رساله‌های ۱۹۷۵-۷۶ بر ضد آنگولا انجام داد، در این مورد متفقد کندناست.

همیشه سرکل اصلی توطئه و تجاوز در خارج از کشور قرار دارد. چنانکه گوتامالا و نیکاراگوئه سوموزا بر ضد کوبا، نامیبی زیر سلطه جمهوری نژادپرست آفریقای جنوبی و زیمبر بر ضد آنگولا و عراق و پاکستان بر ضد ایران و افغانستان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نقاط اتکا همیشه ستوریاتی می‌مانند مثلا در گوتامالا برای این کارکشتزارهای میان جنگل انتخاب شد‌اند. برای تشکیل باند های خرابکار رگالباسمی می‌شود از اقوام چادرنشین و ناآگاه که قربانیان رژیم‌های مستبد و استعماری‌اند استفاده‌شود. احساسات ضد هپی و قبیلای دلسازمان دادن این باند ها در مرکز توجه قرار دارد. مثلا سیا برای تشکیل باند های جدائی طلب آنگولائی کوشید فاست از روابط قبیلای که بین اقوام مرزی آنگولا، زیمبر و نامیبی وجود دارد بهره برداری کند. در پاکستان زیر "سقف" اردوگاه پناهندگان در دهها هزار افغانی به زور یا به تزویز گرد آمده‌اند. در ایران منطقه کردستان برای فعالیت باند های مزدور و ضد انقلابی انتخاب شده است. این باند ها بنام دفاع از "حقوق اقلیت های ملی" مردم ساده را بر ضد حکومت مرکزی تحریک می‌کنند.

پس از آن که سیا هشت تن از افسران خود را هنگام عملیات در خلیج خوک ها در کوبا از دست داد، با احتیاط بیشتری عمل می‌کند. از این رو، سیا برای تشکیل ارتش مهاجم از اتباع همان کشورها استفاده می‌کند. سیا در تعلیم مزدوران، مسلح کردن آنها و القا "ایدئولوژی ساخته و پرداخته در آنها نقش فعال دارد و باین باند ها و دهه پیروزی سریع می‌دهد که در صورت بدست گرفتن قدرت از "کک" های فراوان ایالات متحده برخوردار خواهند شد.

سیا به معنای است که از یک فعالیت تا فعالیت دیگر عبور می‌کند. اعضای هیأت نظامی وابسته به سیا افزایش می‌یابد. "متخصصین" سایر کشورهای نیز به این هیأت ها می‌پیوندند در عملیات ضد انقلابی بر علیه افغانستان آنها از چین، پاکستان، هندو کورهای که بنحوی از آنها با آمریکا پیوند دارند کمک می‌گیرند مولفین "سناریوی سیاسی" سیا باتدارک عملیات بر ضد خلقهای که در راه درگونیهای انقلابی گام نهادند، امیدوارند که ایالات متحده از این اقدامات سودهای سیاسی و ایدئولوژیک خواهد برد و نقش رهبری در نیای آزاد را که امریالیسم آمریکا برای حفظ آن مست و می‌زند، استحکام خواهد بخشید. فعالیت های تبلیغاتی سیا به فعالیت های خرابکارانه وی افزوده می‌شوند. اخلاص در آگاهی مردم و رنگ آمیزی وقایع بنحوی که امکان دید روشن و واضح را از ملت هاسلب می‌کند، به بهره کشیدن توده های وسیع خلق و حتی دولتها، مجلسها، احزاب سیاسی و سازمان های معتبر اجتماعی در کشورهای سرمایه داری و در راه رشد یکی از هلکردهای مهم سرویس های مخفی ایالات متحده آمریکا است. سیا برای رسیدن به این هدف ها از شبکه های وسیع تبلیغاتی و از

تعمیرات و ...

امکانات عظیم خبری بورژوازی سود می‌جوید. سیا رسانه های گروهی را وسیله نیرومندی برای اعمال سیاست خارجی و داخلی خود و القا عقیده می‌داند. و از این روسمی دارد که با کمک سرویس های مخفی کشورهای سرمایه داری به بیشترین تعلنا د ممکن روزنامه و مجله دینفون و آژانس های خبری و سازمان های راديو تلویزیون و انتشاراتی آنها را به خدمت خود در آورد و حتی از آژانس های تبلیغاتی برای پیشبرد مقاصد خود چشم نمی‌پوشد. سیا با ایجاد "هسته ها" تبلیغی در رسانه های گروهی آمریکا و خارجی سعی می‌کند که اخبار مغرضانه و جعلی پخش کند. سیا از روزنامه نگاران آلت فعلی برای جاسوسی های خود می‌سازد. تبلیغات بورژوازی می‌کوشد انگیزه های اصلی تجاوز قدرت های امپریالیستی را توجیه نماید. مداخلات در کوبا و آنگولا در بناه ساز- ماند همی پناهندگان کوبائی و آنگولائی انجام یافت. امروز همین عمل در مورد افغانستان اعمال می‌شود. راهزنان دست آموز آمریکائی و چینی و پاکستانی و مصری با سموم کردن آب آشامیدنی مردم، انتشار میکروبهای مسری، آتش زدن مدارس، بیمارستان ها، زجر و آزارو شکنجه زنان، مردان و کودکان معصوم و ارتکاب در هبا جنایاتی سابقه یگر در این تلاش اند رژیم خلقی مردمی افغانستان را سرنگون سازند و رژیم خونخواری از نمونه رژیم های فاشیستی گوتامالا، شیلی، بولیوی، السالوادور، ترکیه، پاکستان و عراق بجای آن بنشانند. رسانه های گروهی امپریالیستی این جنایات ضد خلقی را زهرنام "قیام مجاهدین سلمان افغان" توجیه می‌کنند و در چشم مردمان ساده پندار خاک می‌باشند.

مبلغین سیا برای توجیه مداخله "رایلی" را عنوان می‌کنند که دیگر تازگی ندارند و تکرار همان دکم های کونیست ستیزی دیرینه سال‌اند. در کوبا قبل از مداخله سال ۱۹۶۱، مأمورین سیا بوش- های سلحشانو عملیات خرابکارانه ای را سازمان دادند. آنگاه سیا در مطبوعات بورژوازی این وقایع را نشانهای از "مخالفت عمومی" ملت کوبا با دولت انقلابی آن جلوه دادند.

داستانهای رنگارنگی در مورد فعالیت خرابکارانه "کوبا" در دیگر کشورهای آمریکا لاتین ابداع شد. مثلا روزنامه "اکواتری ال کورسیرو خبری منتشر کرد که بوسیله "سیا" زود در روزنامه "کلمبیا ئی ال تیپو منکستر" روزنامه مذکور نوشته بود گاسترو برای چریکهای کلمبیا و اکواتر اسلحه‌هایی فرستاده است که از آنها بر ضد پرو استفاده کنند. مأمور سابق سیاف آجی با افشای این وقایع ویز کردن گمانه های عمدی و دیگری توطئه های سرویس های مخفی آمریکائی می‌نویسد که هدف این بوده است: "از هان عمومی را طوری آماده کنیم که عکس العمل آنها در مقابل حمله بعدی به کوبا خفیف باشد". می‌دانیم که این نوع زمینه سازی های تبلیغاتی ناگام ماند و حمله به کوبا در تمام دنیا و در کشورهای آمریکائی لاتین با سوچ مخالفت و اجراض شدید و روبرو گردید. "سیا" مجبوره عقب نشینی شد و به روزنامه نگاران دست نشانده اش مأموریت داد تا تجاوز مزدور کوبائی به جزیره "آزادی را" مأموریتی برای رساندن مواد غذایی به شورشیان کوههای "اسکابری" و انمود سازند. در صورتی که چند روز پیش از آن ایستگاه های راديوئی وابسته به سیا کوبائی ها را تلهویق به شورش می‌کردند و از آنها می‌طلبیدند که به ارتسش آزاد بخش ساخته و پرداخته "سرویس های مخفی آمریکا که بانام موهوم "کمیته انقلابی کوبا" و "دولت درتحمید" فعالیت می‌کرد، پیوندند.

نیروها نیست که مخالف جنگ، مخالف امر- بالیسم و در مواضع دموکراتیک، آزادی و استقلال و ترقیات اجتماعی قرار دارند و ساده - لوحی است اگر تصور شود در این زمینه- توان برابری و حفظ نمود و روند پیشرفت اجتماعی آزادی خلقها و مبارزه علیه امریالیسم و در راه استقلال ملی را متوقف ساخت و یاد روضع موجود کنونی آن را حفظ نمود. این واقعیتی است که انقلاب ها با سفارش یا طبق موافقت نامه انجام نمی‌شوند، زیرا گزینش راه ترقیات اجتماعی کار خود خلقها است و مردم داخلی آنهاست و با شرایط سیاسی و اجتماعی و تناسب و آرایش نیروهای طبقاتی درونی هر کشور پیوند دارد. در همین حال هر- قرارنی تناسب نیروها در عرصه جهانی عاملسی است که موفقیت انقلابها در عرصه جهانی و مبارزه خلقها را در راه آزادی و کسب استقلال ملی تضمین می‌کند و باز دارند ص در ورود انقلاب و مداخله نظامی و تجاوز مسلحانه امریالیسم علیه خلقهاست. کامیا- بهیای کشورهای سوسیالیستی در همه زمینه های سیاسی و اقتصادی و نظامی تکیه - گاه اطمینان بخشی برای رویارویی با تفته های تجاوزی و مداخله گرانه امریالیسم جهانی است. افزایش توان اقتصادی و معنوی جهان سوسیالیسم در عرصه جهانی تأثیرات مثبت آن بر رویه های جهانی و روند تکامل آینده آن افزودناست. جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری به عامل موثری تبدیل گشته که طبقه حاکمه این کشورها ناگزیرند این عامل را به حساب آورند. کشور- های در حال توسعه و جنبش کشورهای غیر- متعهد با مواضع حفظ استقلال ملی و مبارزه بر ضد امریالیسم ثبات و استحکام روز افزون کسب می‌کنند. در مجموع این کشورها گرایش - های مبارزه بر ضد استعمار و ضد امریالیسم- بوده های وسیع خلق را در بر می‌گیرد. مجموعه این نیروها در عرصه جهان در برابر امریالیسم جهانی جبهه متحدی را تشکیل می‌دهند که از همبستگی و پشتیبانی جهان سوسیالیسم برخوردارند.

بدین ترتیب برقراری تناسب نیروها در عرصه جهانی میان جهان سوسیالیسم و جهان سرمایه داری هم از لحاظ نظامی و استراتژیکی و هم از لحاظ آن به نفع همه خلقتها و به نفع مبارزات ضد امریالیستی و استقلال طلبانه آنان می‌باشد. کسانیکه می‌کشند دانسته و یا از روی ناآگاهی این واقعیت را با فرمولهای از قبیل "سازش دو ایر قدرت" و یکسان جلوه دادن مواضع و برخورد جهان سوسیالیسم با جهان سرمایه داری نسبت به تحولات و روند های انقلابی لووت و تحریف نمایند، در راه تأمین منافع خلقها و تضمین پیروزی آنان در مبارزه بر ضد امریالیسم و حفظ استقلال ملی گام بر نمی‌دارند و عللا انقلاب را از یک پشتیبانی معنوی برون در عرصه جهانی محروم می‌سازند.

تجربه چند ساله اخیر در تمام کشورهای در قاره های آسیا و آفریقا و آمریکائی لاتین موبد این واقعیت است که جنبش ها و انقلابهای رهائی بخش و استقلال طلبانه خلقها از پشتیبانی معنوی و مادی جهان سوسیالیسم و تمام جنبشها و نیروهای ضد امریالیستی و ترقیخواه جهان برخوردار بود و این پشتیبانی در پیروزی آنان در نبرد علیه ارتجاع و امریالیسم جهانی عامل موثر و مثبتی بوده است. درک واقعیت تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی و شناخت محتوای سیاسی و اجتماعی این تغییر تناسب به دروازهرگونه پیش دآوری و تمصبات سیاسی و عقیدتی در لحظات معینی می‌تواند برای انقلابها و جنبش های رهائی بخش و استقلال طلبانه خلق ها- ها سرنوست ساز باشد.

سیا پس از ناگامی در ماجرای خود انگخته

برای تسویه حساب با خلق کوبا که به دخالت امریالیسم آمریکا جواب ندانند و نشکن داد بود موج تبلیغاتی عظیمی برای منزوی کردن کوبا در وهله اول در آمریکائی لاتین بر اه انداخت. به احراق ف. آجی همه دستگاه های خبری که سیا به آنها دسترسی داشت مأموریت یافتند "اندیشه" خطر نفوذ کونیسم بین- المللی در نیمکره غربی از راه کوبا را رواج دهند.

بدین ترتیب، برای متقاعد کردن کشورهای عضو سازمان کشورهای آمریکائی و فیهه نسبت به لزوم قطع روابط دیپلماتیک با کوبا تحریرات دانشداری صورت گرفت. مثلا گفته شد که "روز نوظل یک" انبار مخفی از سلاح های کوبائی "کشف شده است. تبلیغات - چي های بورژوازی آمریکائی لاتین دست به انتشار "خبرهای" می‌زدند که سیاهپنانهی در اختیارشان می‌گذاشت. این "اخبار" هارت "زاین بود که شورش ها و جنگهای چریکی در ونزوئلا، هندوراس، پرو، کلمبیا، آرژانتین، پاناما و بلیوی از جانب سفیران شوروی و کوبا در مکزیکو، بوئنس آیرس و مونتو ویدئو رهبری می‌شود.

دیپلماتی آمریکا از تلقینات سیا در خصوص تحریم کوبا و تحمیل آن به کشورهای آمریکائی تبعیت کردناست. اما این تصمیم شرم آور چندان نباشد. در سالهای ۱۹۶۰ کشورهای آمریکائی لاتین یکی پس از دیگری با کوبا روابط اقتصادی، فرهنگی و سپس دیپلماتیک برقرار کردند. مجله "تری کنتینانثال" در این باره نوشت: "... هدف اسلسی که سیا در مورد کوبا مطرح نمود هارت از منزوی کردن و بنا بود ساختن انقلاب کوبا است که همچون ویای تب آلود شب تابستان بنظر می‌رسد.

(ادامه دارد)

برنامه های عمرانی ...

در قسمت کشاورزی بخصوص بازمبانی که اصلاحات ارضی شاهانه... برنامه های عمرانی پنجم توسط سازمان برنامه وقت تجدید نظر شد تا کارها را با درآمد جدید ایران از نفت هماهنگ سازد...

برنامه های جهت خرید يك جنس توسط يك دلال تنظيم مي شود

دلال ↓ در سازمان برنامه جهت صرف آن در کارهای عمرانی اقدام می شود

دلال ↓ يك شرکت مهندسان مشاور جهت تهیه طرح مربوطه انتخاب یا تاسیس می شود که مرکب از افراد بانفوذ و اغلب غیر متخصص است و قرارداد با این شرکت منعقد می شود

دلال ↓ يك شرکت مهندسان مشاور متخصص انتخاب می گردد تا با دریافت مبلغی به مراتب کمتر از قرار داد بسته شده طرح را تهیه کند

دلال ↓ پروژه به شرکت دست اول تسلیم می شود

دلال ↓ پروژه توسط سازمان برنامه قبول و تامین اعتبار می گردد

دلال ↓ يك شرکت پیمانکار جهت اجرای پروژه و عقد قرارداد با قیمت خوب از افراد ذینفوذ که اغلب غیر متخصص هستند تاسیس یا انتخاب می گردد

دلال ↓ يك شرکت پیمانکار مرکب از افراد متخصص جهت اجرای کار بطور دست دوم با حداقل قیمت ممکن انتخاب می شود

دلال ↓ وصول پول از مقامات دولتی و مواظبت از حسن جریان روند فوق تا تحویل کار و تقسیم سهم هرکس، بنحویکه تعیین شده است، با وساطت دلال انجام می شود و معامله خاتمه می یابد

چنانکه می توان دید، دلال مهمترین وی مسئولیت ترین و پودرآمدترین فردی بود که در این روند وجود داشت و او بود که فیرا زنگارهای فوق در ارتباط با بانکها و موسسات بازرگانی داخل و خارج مرتبا اعتبار مالی تامین می کرد و با جنس جدید می فروخت که خود داستان دیگری است... بدیهی است پروژه ای که بایستی بر اساس طرح بهینه، یعنی طرحی بر اساس صرف باصرفترین مصالح در زمان و مکان معین و برگشت سرمایه در کوتاهترین مدت تهیه گردد، وقتی جهت فروش اجناس بخصوص طرح شود و این همه دلال و واسطه آنرا اداره کنند سازمان بدهند علاوه برآنکه بسیار گرانتر تمام خواهد شد، پس از پایان کار منظور رانیزه تمامی تأمین نخواهد کرد... شاید بیش از ۹۵٪ کارهای عمرانی بزرگ مملکت این روند را طی کرده اند و اگر ۵ درصدی نیز روالی غیر از این داشته اند و بتوانستند خود را بر روال حاکم تحمیل کنند وسط کارها شده میباید...

تازه اگر کار عمرانی، با این برنامه که جهت فارت تنظیم شده است، به همین طریق تمام و تحویل می شد و فارتگران به همین جا بسنده می کردند باز جای شکر باقی بود... مشاهده شده است که مبالغ هنگفتی صرف يك پروژه کرده اند و سپس آنرا رها کرده و دور ریخته اند... بعضی اوقات پروژه ها بطرفی طرح شده است که وقتی به بهره بسنجداری رسیده دیگر کهنه و بلا استفاده بود فاست و بامدت کمی از آن می توانستند استفاده نکنند به طوری که سرمایه های صرف شده مستهلك نمی شده است... شاید بتوان با مثالهای زیر منظور را بهتر بیان کرد:

در بند رننگه، بهبهان، آبدانان، چاه بهار، بندر طاهری پایگاه های ساختمانی و پس از صرف چند میلیارد ریال در هر مورد، معلوم نیست از کجا خبر رسیده که محل این پایگاه ها درست انتخاب نشده است... بنا بر این آن را رها کرده در محل دیگری به ساختمان پرداخته اند و پایگاه را در جای جدید مستقر کرده اند... اما آن ساختمانهای رها شده که لانه مارو موش شده اند هنوز باقی هستند و به قرار می گرفته می شود طوری است که نمی توان مردم را در آن اسکان داد... در محلهای زیادی از کشور، بخصوص در واحدهای کشاورزی بزرگ دولتی، ساختمانهای پیش ساخته خارجی از مصالح بسیار سبک و با کیفیتی خیلی نازل و قیمت زیاد ساخته شده اند که مرد طاعمان نمی کنند در آنها زندگی کنند و همچنان خالی مانده اند.

وزارت راه و وزارت بازرگانی جمعا حدود چهار هزار تریلی مارک وایت و حدود دوهزار لود راکت پیلارو آلیس چالمرز و چند هزار ماشین آلات سنگین دیگر به قیمت پنجاه میلیارد ریال خریداری کردند... این دستگاه ها جذب بازار کردند و در نتیجه ماهها در بندر ایران در بطن گداز و خاک و لجن بدون صرف افتاد... مقدار زیادی از آنها بسرقت رفت و لوازم بدکی آنها در بازار به فروش رسید، تعدادی از آنها پسند و تعداد زیادی نیز در انبارهای شرکت های واسطه فروش همچنان در معرض خطر نابودیست و در نهایت که راه های برای استفاده غیر قانونی از این دستگاه ها پیدا کرده باشند. (۱)

برای آنکه در روستاها مرکزیتی ایجاد کنند... با سه سخنی دیگر جهت گسترش سرمایه داری در دهات، بودجه هنگفتی در مملکت برای ایجاد شهرک های روستائی اختصاص داده شد، بدین ترتیب که در مرکز هر چند قریه یکی از این شهرک ها ساخته شود و ساختمانهای دولتی و بازرگانی و موسسات رفاهی و بیمارستان و درمانگاه و سایر موسسات مورد احتیاج مردم در آن محل ها مستقر گردند... بودجه این کار چند ده میلیارد ریال تعیین شده بود... البته اطلاعی در دست نیست که چه تعداد از این شهرک ها بهر اجرا درآمد، ولی همین قدر می توان دید که در کار بسیاری از روستاهای این مملکت محل های راه مانع گزافی خیابان سازی کردند و ساختمان های لازم نیز در آنجا ها ساخته شده اند و اکنون، به طت آن که این ساختمانها مطابق با سنن و عادات مردم نبوده بلا استفاده مانده اند... وزیر راه در سال ۱۳۵۳ اعلام کرد که تا سال ۱۳۵۵ اتوبان چهارخطی (به عرض حدود سی متر) مشهد را به یزد مربوط خواهد کرد! در همان حال که این خبر اعلام می شد، همین آقای وزیر قرارداد هایی را برای مطالعه با ساختمان راه های به شرح زیر امضا می کرد، به اضافه يك راه که بتازگی تحویل شده بود:

- ۱- از مشهد تا چند ده کیلومتر بعد از تربت حیدریه، قرارداد با چند شرکت پیمانکاری ایرانی جهت ساختن راه آسفالت گرم به عرض یازده متر.
۲- دنبال راه فوق تا قائن و سپس تا بعد از یزد چند با يك شرکت ایتالیائی جهت ساختن راه آسفالت گرم به عرض یازده متر با قیمت های حدود دو برابر قیمت پیمانکاران ایرانی توضیح - راه یزد قبل از گناباد در مسیر قائن از راه بهر چند جدا می شود لذا از روی راه آسفالت با ایستی بطرف گناباد منحرف شد.
۳- چندی قبل از این تاریخ، راهی منطقه ای بعرض ۶ متر با آسفالت غیر اساسی بجن گناباد و فردوس تحویل شده بود.
۴- از فردوس به طرف طبس، قرارداد با چند پیمانکار ایرانی جهت ساختن راه آسفالت سرد به عرض ۸ متر.
۵- از طبس به طرف یزد، قرارداد با مهندسان مشاور ایرانی جهت طرح يك راه آسفالت گرم به عرض یازده متر چنانکه ملاحظه می شود به هیچوجه ساختن اتوبان مطرح نبوده است زیرا قرارداد های مختلفی که هماهنگی هم نداشته اند در همان تاریخ جهت ساختن راه در همان مسیر منعقد شده است.
آیا به نظر نمی رسد که اگر اتوبان لا زمست، این همه خرج برای جاده های غیر اساسی ۶ و ۸ و ۱۱ متری برای چیست؟ واگر بایستی راه مزبور را به عرض یازده متر ساخت، چنانکه قبل از گناباد و بعد از طبس مقرر گردیده است چرا این همه مسیر را جاده های ۶ متری و ۸ متری، که به طت تفاوت استاندارد قابل توسعه به جاده یازده متری هم نیستند، می سازند... با توجه به اینکه این اتلاف پول توسط مهندسان دولتی و موقع خود تذکر داده شده و مورد قبول قرار نگرفته است، می توان به روشنی دریافت که در رژیم فاسد گذشته، نظر بر این بود فاست آنچه برای کارهای عمرانی به مصرف می رسد حتی المقدور به هد برود.
در کار طرح و اجرای کارهای عمرانی، درآمد مملکت به طریقی دیگر نیز به هد می رفت... گفته شده است که شخصی در مورد (آلودگی هوا) کتابی در دست ترجمه راعرضه کند تا استفاده به بیشتری نصیب گردد... دلال قراردادی با او بست و پنجاه درصد با او شریک شد... پس از تکمیل ترجمه، چند نسخه از کتاب به عنوان (آلودگی هوا) و راه مقابله با آن) با جلد های زیبا آماده گردید و روی جلد با نام سازمان ذی صلاح مزین شد... دلال که قراردادی جهت تهیه طرح جلوگیری از آلودگی هوا با دخالت یکی از اعضاء خاندان بقیه از صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

به کدام سو...

نمی گذارند. تنی چند از مسئولان بلند پای جمهوری اسلامی ایران هم، با تأکید بر شعار "نه شرقی، نه غربی" که احتمالا به ضرورت رفع تهمت - باتبری دشنام گونه به فلان ابر قدرت چاشنی داده می شد، اعلام کردند که سلاح های لازم از هرجا که به صلحت کشور و انقلاب باشد تهیه خواهد شد.

تواند در عمل پیاده شود؟ در حد اعلام اصول عقاید و ایمان، می توان پذیرفت که راهی جز آنچه "کفر غرب" و "الحاد شرق" نامگذاری شده است در پیش گرفته شود. اضافه صفت اسلامی به نظام جمهوری - بر خاسته از انقلاب هم برای تأکید بر همین معنا بوده است. جمهوری اسلامی ایران امروزه واقعیتی در زندگی بین المللی است که انقلاب پیروزنده و پیونده استضعاف این مرز و بوم بر جای ایران آریامهری نشانده است. دولت ها و قدرت های دیگر هم - پسند خاطر ما باشند یا نباشند - واقعیت هایی در صحنه جهان هستند. ضرورت های تکامل و تصادفات تاریخ بشر این واقعیت ها را بر پهنه زمین در کار هم چیده است. مناسبات ناگزیر آنان با هم، نمبر حساب میزان کفر و ایمان هر یک، بلکه بر حسب آن چیزی است که در ادستد اقتصاد و فرهنگی، در دوستی و دشمنی سیاسی و نظامی، از این یا آن می توان انتظار داشت. ازین رو، طبیعی است که، در صورت برخورداری از رشد مستقل، هر کشور و هر ملتی تنها به انگیزه مصالح خاص خود با دیگران از دوستی در آید یا به دشمنی برخیزد، پس، شناخت مصالح خود و استقلال رأی و عمل برای دستیابی بدان نه تنها مطلوب بلکه واجب است. حاکمیت بر سر نوشت خویش جز به این دو شرط نمی تواند صورت پذیرد. انقلاب خلقی و ضد امپریالیزم

باشیم. ما با اتحاد چنین سیاست واقع بینانه چیزی از دست نمی دهیم. جمهوری اسلامی ایران می تواند به حقانیت خود و به نیروی درونی ملت انقلابی خود آن قدر اعتماد داشته باشد که از چنین تفاهم و تعاون و همکاری، در عین احترام حق حاکمیت یکدیگر، نترسد و بر استقلال خود نلزد. جز این چاره ای نیست. تا انقلاب هست و پویائی انقلاب در راستای رهایی از ستم و نابرابری و استثمار است، جمهوری اسلامی ایران باید متحدان خود را ابتدا در رجبه پایداری عرب و سپس در گروه پرتوان کشورهای غیر متعهد و سوسیالیستی بجوید. این يك انتخاب بیناری و سر نوشت ساز است که در شرایط کنونی ایران و جهان نه تنها مسئله پیروزی در جنگ را حل می کند، بلکه راه آینده انقلاب ما را مشخص می دارد. به همین جهت نیز درگیری بر سر این مسئله تا به این حد در محافل سیاسی، نظامی، اقتصادی، مذهبی و مطبوعاتی کشور شدیدا است همه می دانند که در روی بحث بر سر خرید تجهیزات و سلاح جنگی، باید به این پرسش اساسی پاسخ داد: به کدام سو می رویم؟ و نهایت مغلطه کاری برخی در این است که، به رغم تجربه جهانی جنبش های رهایی بخش، رفتن از يك سوی معین راه معنی از دست دادن استقلال و نمود می سازند و برای يك چنین سفسطای از همگونه تقلب و تحریف در دانش و دین و تاریخ یاری می جویند.

تناسب نیروها در عرصه جهانی و بازتاب آن در جنبش های رهایی بخش و مبارزه خلقها علیه امپریالیسم و بحاطر استقلال

تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی مطلبی است که با سر نوشت همه خلقها و موفقیت و پیروزی آنان در مبارزه بر ضد امپریالیسم و به خاطر آزادی و استقلال پیوند ناگسستی دارد. این تغییر در تناسب نیروها که به ظاهر تغییر است در تناسب نیروی نظامی و برقراری توازن قدرت در اردوگاه جهان سرمایه داری و جهان سوسیالیستی در عین حال تغییر است در تناسب قدرت و امکانات آن نیروهای اجتماعی که محنت و ستم زویند پیشرفت و تکامل جهان امروز را تعیین می کنند. بیکاره خاطر تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی از ۶۳ سال پیش یعنی از زمان پیروزی انقلاب اکتبر که در جهان يك نظام نوین و سوسیالیستی پایه عرصه وجود نهاد آفاز شده و تا به امروز همچنان ادامه دارد. پس از پیروزی انقلاب اکتبر

جهان سرمایه داری تمام کوشش خود را بر آن نهد که نظام سوسیالیستی و جلوگیری از اشاعه اثرات انقلابی آن در دیگر کشورهای جهان بکارت و دستگیر کردن سیستم های متعددی برای نابودی این نظام تدوین نمود. امروز نیز پس از ۶۳ سالی که ازین رویداد بزرگ تاریخ می گذرد در شرایط فوق العاده بحرانی و پیچیده در روابط بین المللی بررسی این مطلب که تناسب نیروها در عرصه جهان را چه عواملی تشکیل می دهد، تغییر آن در چه سمتی و بفتح چه نیروهای اجتماعی است روشنتر و سودمند خواهد بود. این تناسب نیروها قبل از هر چیز توازن میان نیروهای سوسیالیسم و سرمایه داری است. با وجود عوامل و عناصر متنوعی که نمایانگر این تناسب نیروها می باشند. آنرا می توان با دو شاخص عمده با خصلت های متفاوت بیان

نمود. شاخص اول تناسب نیروها در نظامی و استراتژیکی میان دوسیم سوسیالیستی و سرمایه داری، شاخص دوم تناسب امکانات و توان اجتماعی و سیاسی این دو سیستم می باشد. و به همین جهت است که گفته می شود و خاتم زدائی نتیجه قانونمند آن تناسب نیروی است که طی ده سال اخیر در عرصه جهانی پدید آمده، برقراری تناسب نیروی نظامی و استراتژیکی میان جهان سوسیالیسم با جهان سرمایه داری عامل باز دارند مایست که از نیات و نقشه های تجاوز گرانه امپریالیسم جلوگیری می کند و با منافع آزادی و استقلال همه خلقهای جهان و صالح صلح جهانی مطابقت دارد. و به همین علت است که امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا همواره و بویژه طی ده سال اخیر متکرستاب بخشیدن به مسابقه

تسلیمات، برهم زدن روند و خاتم زدائی و ایجاد کانونهای تشنج و جنگ در مناطق گوناگون جهان بوده و تلاش در دتناسیب نیروها در عرصه جهانی را به نفع خود درگیر سازد تا بتواند نقشه های توسعه طلبانه، مداخلات نظامی و سرکوب جنبش های رهایی بخش و خیزش های انقلابی خلقها را به اجرا گذارد و به منظور رونق پیشرفت و تکامل جهان را به مسترد لخواه خود بکشد. در مقابل اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همچنان در این راه یعنی مسابقه تسلیمات پیش قدم نبودند. اما کشورهای سوسیالیستی به خاطر حفظ موجودیت خود و جلوگیری از سیاست جنگ - طلبانه جهان سرمایه داری ناگزیر بودند نیروی نظامی و استراتژیکی خود را به سرز برای با قدرت نظامی و استراتژیکی جهانی بقیه از صفحه ۶

بقیه از صفحه ۷

مسابقه تسلیحاتی...

که به رشد دائمی اقتصادی منتهی می شود، منحرف شده ایم. تورم چهار بر عمل به پیش می تازد. هیچ مفری به چشم نمی خورد. دلار آمریکا به شدت وزن خود را از دست داده است.

اکنون ما با وضع دشوار اقتصادی و مالی روبرویم و از حیث اقتصاد ملی به موقعیت بحرانی لغزیده ایم. اگر بخواهیم از نتایج باز هم جدی تری که به فاجعه منتهی شود بهره ریزیم باید از این وضع خارج شویم.

هنری کوفمان در نطق خود تاحدی اعتراف نمود که نظمی کردن فزاینده اقتصاد و سیاست ضد شوروی که از جانب دستگاه رهبری آمریکا تعقیب می شود نقش مهمی در پیدایش "منجلاب" که بدان اشاره شد بازی می کند. اما این سیاست نتوانست هیچ مفری برای این موقعیت باشد.

بقیه از صفحه ۷

برنامه های عمرانی...

جلیل !! با آن سازمان ضعیف کرده بود، مجلدات حاضر شده راه سازمان مزبور تسلیم و بودجه ای را که سازمان جهت تهیه طرح در اختیار داشت به جیب زد و مخرجی که کتاب او خواننده کمی می توانست داشته باشد در این میان به نوائی رسید. البته روی صحت و سقم این داستان نمی توان قسم خورد، ولی نظایر این اعمال در اجرای کارهای عمرانی زیاد بود. پروژه های بی خاصیت فراوانی جهت ترافیک، حفاظت حیات وحش، مبارزه با آلودگی آبهای دریا

مطالعات تغذیه و... غیره که در با یگانی سازمان برنامه یا موسسات دیگر بلا استفاده مانده همچنان خاک می خورند و زمانی برای تهیه آنها بودجه های بالنسبه کلانی بصرف رسیده است، جز ترجمه های جزوه های خارجی نیستند و اغلب هیچ کدام با شرایط ملکات ما مطابقت هم ندارند.

طرحهای ساختمانی زیاد می توان از مهندسان مشاور در سازمان برنامه سبزاغ گرفت که عینا نقشه های خارجی را کپی کرده به عنوان طرح خود به حساب گذاشته اند، و

چون از اول نیز این طرح زائلی خواسته اند اجرا کنند اشکالی هم پیدا نشد. حتی در مواردی هم که مقرر شد طرحی از این قبیلی به اجرا در آید، پیمانکاران اجرا کنند بعد اها فقط سکوت و به هزینه خودشان طرحهای قابل اجرایی که به نفع خودشان بود است به جای آنها تهیه و به تصویب رسانده و اجرا کرد فاند.

به هرحال سخن در این مورد زیاد است. این تابسا ما - نه با همگی نتیجه سلطه امپریالیسم بر مملکت ما بود است. انقلاب پرشکوه بهمن پایه های این سلطه را فروریخت و ملت قهرمان ما را حاکم بر سر نوشت خود کرد. ملتی که سر نوشت خود را در دست داشته باشد، ثروت ملی اش را صرف گسترش و تکامل اقتصاد و ارتقای فرهنگ خود خواهد کرد، و مثلا به جای خرید اسلحه خواهد توانست کارهای زیر را انجام دهد:

بازاء هرتانکه در دبیرستان، بازاء هرهوایمی اف - ه
یک بیمارستان مجهز ه نختخوابی، بازاء هرهوایمی

اف - ۱۴ یک هزار واحد مسکونی به مردم تحویل دهد. و وانخریدن هر گلوله توپ یکصد و پنجاهالی دویست هزار ریال صرفه جوئی کند.

در این جنگ تجاوز گرانه محتملی امپریالیستی عراق با ایران که بیوزنه صد ها میلیون تومان برای دولت خرج و خسارت دارد می توان بازاء مخارج و خسارات هرامه چند کارخانه ۶۰ هزار تنی ذوب آهن نظیر آنچه در اصفهان ساخته شده است به کمک تولید ملی گماشت. با بهره ریزشهای سیاست عادلانه صلح و تشنج زدائی این امکانات در اختیار ملتها قرار خواهد گرفت و راه تکامل و سعادت جامعه بشری را هموار خواهد ساخت.

امید است روشن فکران و متخصصان مادر کار توده های میلیونی مردم مستضعف در تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران متعهدانه عمل کنند و نگذارند که ایران دوباره عرصه تاخت و تاز امپریالیستهای غارتگر گردد. مداومت و پایداری در نبرد بخاطر تحقق هد فهای استقلال ملی و آزادی در سایه صلح و کار ضامن پیروزی است. باید با قدم های استوار به سوی جامعه عدل و برابری عاری از جنگ که در آن تکامل طبیعی و آگاهانه خلق حاکم باشد گام برداشت.

زیر نویس:

۱- چون بحث مادر مورد کارهای عمرانی است وارد بحث روی ائتلاف ثروت مملکت در اثر کارهای باز رگانی و خرید مواد غذائی از خارج و سورشائز کشتی هانی شویم.

